

بسمه تعالی

گل واژه نیایش دکتر غفرانی

جلسه ۴۱ - ۱۳۹۴/۰۱/۱۷

سوره ی توحید یا به تعبیر روایات، "سوره الاساس" و ((شناسنامه ی خدا)) ((۶۶ حرف)) دارد که با جمع ابجدی اسم جلاله ((الله)) برابر است . عصاره و خلاصه سوره توحید الله است .

سوال : چرا نفرمود :ببین ؟ یا بشنو؟ چرا گفته بگو

زیرا در دیدن و شنیدن احتمال خواب و غفلت هست اما اگر انسان مست و منافق نباشد بیشترین ((علم و معرفت و اراده و باور)) او در ((گفتن)) او ، ظهور پیدا می کند .

پس ((قُل)) یعنی : بدان ، بفهم و باور کن و قائل باش و اعلان و اعلام کن که:

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

((خالق متعال)) هم ((اراده و حکم و امر)) خود را با ((قول)) در ((خلق))
((جاری)) میکند:

(بقره ۱۱۷).

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا [او] پدید آورنده آسمانها و زمین [است]
فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۱۱۷) و چون به کاری اراده فرماید فقط
می‌گوید [موجود] باش پس [فورا]
موجود [می‌شود] (۱۱۷)

"نور ترکیب می‌کند ، نار تجزیه می‌کند"
هر چیزی که وحدت ایجاد کند نور است و چیزی که آدم را تکثیر می‌کند حواس
پرتی می‌آورد نار است . پس "باور و قول مخلوق " باید با " قول خالق " یکی
باشد :

فصلت ۱۱

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ
لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا
أَتَيْنَا طَائِعِينَ (۱۱)
سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد و آن
بخاری بود پس به آن و به زمین فرمود
خواه یا ناخواه بیایید آن دو گفتند
فرمان‌پذیر آمدیم (۱۱)

اگر کلام انسان ، عاقلانه نباشد و ((باور و رفتار و مواضع)) او در راستای
مواضع و کلام خدا نباشد ، او ((مشرک)) و ((کافر)) است :

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (۷۲)

کسانی که گفتند خدا همان مسیح پسر مریم است قطعاً کافر شده‌اند و حال آنکه مسیح می‌گفت ای فرزندان اسرائیل پروردگار من و پروردگار خودتان را بپرستید که هر کس به خدا شرک آورد قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است و برای ستمکاران یاورانی نیست (۷۲)

حتی اگر کلام درست انسان با ((باور و رفتار و مواضع)) او راست و هم جهت و صادقانه نباشد ، او منافق و بیمار دل است :

سوره بقره آیات ۸ تا ۱۴

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (۸)

برخی از مردم می‌گویند ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم ولی گروندگان [راستین] نیستند (۸)

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ
إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۹)

با خدا و مؤمنان نیرنگ می‌بازند ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی‌زنند و

نمی‌فهمند (۹)

فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۱۰)

در دل‌هایشان مرضی است و خدا بر
مرضشان افزود و به [سزای] آنچه به
دروغ می‌گفتند عذابی دردناک [در
پیش] خواهند داشت (۱۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا
إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (۱۱)

و چون به آنان گفته شود در زمین فساد
مکنید می‌گویند ما خود اصلاح‌گریم
(۱۱)

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ
(۱۲)

بهبوش باشید که آنان فسادگرانند لیکن
نمی‌فهمند (۱۲)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا
أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ
السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳)

و چون به آنان گفته شود همان گونه که
مردم ایمان آوردند شما هم ایمان بیاورید
می‌گویند آیا همان گونه که کم‌خردان
ایمان آورده‌اند ایمان بیاوریم هشدار که
آنان همان کم‌خردانند ولی نمی‌دانند
(۱۳)

و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند
برخورد کنند می‌گویند ایمان آوردیم و
چون با شیطان‌های خود خلوت کنند
می‌گویند در حقیقت ما با شما ایمیم ما فقط

[آنان را] ریشخند می‌کنیم (۱۴)

پس مواضع و کلام انسان نباید با قول و کلام الهی نباید تضاد داشته باشد .

زیرا اگر ((قول مخلوق)) با خالق در تضاد و تفاوت داشته باشد آن مخلوق ،

رجیم می شود : (آیات ۱۱ تا ۱۳ سوره مبارکه اعراف)

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ
مِّنَ السَّاجِدِينَ (۱۱)

و در حقیقت شما را خلق کردیم سپس به صورتگری شما پرداختیم آنگاه به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس

[همه] سجده کردند جز ابلیس که از

سجده‌کنندگان نبود (۱۱)

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ
کنی گفت من از او بهترم مرا از آتشی

آفریدی و او را از گل آفریدی (۱۲)

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (۱۳)

فرمود از آن [مقام] فرو شو تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبر نمایی پس

بیرون شو که تو از خوارشدگانی (۱۳)

پس انسان باید با سوره اخلاص ((وحدانیّت)) را عاقلانه بفهمد و ((قائل)) به توحید بودنش را با بیان عارفانه اش ((ابراز)) و با رفتار مومنانه اش آن را تصدیق کند :

(۹ / توبه / ۱۲۹)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ	پس اگر روی برتافتند بگو خدا مرا بس است هیچ معبودی جز او نیست بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است (۱۲۹)
---	---

نشانه ی "مومن" اینست که ، با هر حادثه ای ، " تحلیل موحدانه ی " خود را ابراز و اعلان و اعلام می کند :

(۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷ سوره مبارکه بقره)

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵)	و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم و مرده ده
شکیبایان را (۱۵۵)	

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ (۱۵۶)	[همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند ما از آن خدا هستیم و به
---	--

سوی او باز می‌گردیم (۱۵۶)

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (۱۵۷)
بر ایشان درودها و رحمتی از
پروردگارشان [باد] و راهیافتگان [هم]
خود ایشانند (۱۵۷)

قالوا : صابرین کسانی هستند که قول موحدانه خود را ابراز می کنند این گفتنی با
زبانشان نیست با وجودشان است . قدردان شکر گزار حق پذیر هستند .

راجع یعنی هیچ خودیت و منیتی نیست به امر خدا مواجهه میکند . راجع یعنی
آنلاین است دائم راجع است . اصلاً راجع است نه اینکه رجوع کند دائم با خداست
.

و ((کلام دروغ)) از ((منظر خدا)) ((بسیار سنگین است)) :

(نور / ۱۵)

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالسِّنِّتِ كُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا
لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسِبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ
اللَّهِ عَظِيمٌ (۱۵)
آنگاه که آن [بهتان] را از زبان یکدیگر
می‌گرفتید و با زبانهای خود چیزی را
که بدان علم نداشتید می‌گفتید و

می‌پنداشتید که کاری سهل و ساده است
با اینکه آن [امر] نزد خدا بس بزرگ
بود (۱۵)

و ((کلام غیر منطقی)) چون محصول ((تحلیل غلط)) است ((جبران سختی دارد
: ((

(۵۸ / مجادله / آیات ۲ تا ۵)

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِّن نِّسَائِهِمْ مَّا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ (۲)	از میان شما کسانی که زنانشان را ظاهر می‌کنند [و می‌گویند پشت تو چون پشت مادر من است] آنان مادرانشان نیستند مادران آنها تنها کسانی‌اند که ایشان را زاده‌اند و قطعاً آنها سخنی زشت و باطل می‌گویند و [لی] خدا مسلماً درگذرنده آمرزنده است (۲)
وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ تَوْعَظُوهَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۳)	و کسانی که زنانشان را ظاهر می‌کنند سپس از آنچه گفته‌اند پشیمان می‌شوند بر ایشان [فرض] است که پیش از آنکه با یکدیگر همخوابگی کنند بنده‌ای را آزاد گردانند این [حکمی] است که بدان پند داده می‌شوید و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۳)
فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِنُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ	و آن کس که [بر آزادکردن بنده] دسترسی ندارد باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر

وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴) که نتواند باید شصت بینوا را خوراک بدهد این [حکم] برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید و این است حدود خدا و کافران را عذابی پر درد خواهد بود (۴)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (۵) بی‌گمان کسانی که با خدا و فرستاده او مخالفت می‌کنند ذلیل خواهند شد همان‌گونه که آنان که پیش از ایشان بودند ذلیل شدند و به راستی آیات روشن [خود] را فرستاده‌ایم و کافران را عذابی خفت‌آور خواهد بود (۵)

و اگر قول انسان متعهدانه و مومنانه نباشد حتی اگر درست هم باشد باز او ذاکر و باتقوا نمی‌شود و ظواهر دنیا او را ((مسحور)) می‌کنند :

(۸۴ تا ۸۹ سوره مبارکه مومنون)

قُلْ لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۴) بگو اگر می‌دانید [بگویید] زمین و هر که در آن است به چه کسی تعلق دارد (۸۴)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۸۵) خواهند گفت به خدا بگو آیا عبرت نمی‌گیرید (۸۵)

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ	بگو پروردگار آسمانهای هفتگانه و
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۸۶)	پروردگار عرش بزرگ کیست (۸۶)
سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۸۷)	خواهند گفت خدا بگو آیا پرهیزگاری
	نمی‌کنید (۸۷)
قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ	بگو فرمانروایی هر چیزی به دست
وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۸)	کیست و اگر می‌دانید [کیست آنکه] او
	پناه می‌دهد و در پناه کسی نمی‌رود
	(۸۸)
سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ (۸۹)	خواهند گفت خدا بگو پس چگونه
	دستخوش افسون شده‌اید (۸۹)

ذاکر یعنی همه کارهای من با اجازه خدا باشد چون همه چیز ملک خداست

قل افلا تتقون چرا خود را با رب تنظیم نمی‌کنید؟

قل فانی سحرون چرا سرگردانید؟ چرا سحر شدید؟ سحر یعنی حواس آنها بیرون

است سحر مربوط به چشم و نگاه است پس روی انسان قلب اوست

لذار در روایات بسیار تاکید شده به این که مومنین ((قبل خواب)) و در نماز شب

و در ((آغاز روز)) و در ((مناسبت‌های مختلف)) با گفتن "چهار قل" تحلیل و

مواضع اصلی خودشان را ((تراز)) کنند :

قل هو الله احد : اول خود را با خدا تنظیم کنم

قل يا ايها الكافرون : مواضع من با کافران مشخص شود

قل اعوذ برب الفلق پناه می برم به شکافنده از شر (۴ شر) این ۴ شر را باید ببینم . غاسق اذا وقب وقتی تاریکی غلبه پیدا میکند

سوره ناس . قل اعوذ برب الناس : پنجمین شر وسواس خناس است

پس انسان دو نوع قول دارد : ۱- قول عقلانی (قول موحدانه) ۲

- قول نفسانی (قول مشرکانه) (متکثرانه)

(۱) قول نفسانی : (قبول کثرت و اراده ها در جهان) :

(بقره ۹۳)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ
خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا
وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ
بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۳)

و آنگاه که از شما پیمان محکم گرفتیم و
[کوه] طور را بر فراز شما برافراشتیم
[و گفتیم] آنچه را به شما داده‌ایم به جد و
جهد بگیرید و [به دستورهای آن] گوش
فرا دهید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم
و بر اثر کفرشان [مهر] گوساله در
دلشان سرشته شد بگو اگر مؤمنید
[بدانید که] ایمانتان شما را به بد چیزی
وامی‌دارد (۹۳)

(بقره ۱۷۰ و ۱۷۱)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۷۰)

و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید می‌گویید نه بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن

یافته‌ایم پیروی می‌کنیم آیا هر چند پدران‌شان چیزی را درك نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند [باز هم در خور پیروی هستند] (۱۷۰)

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۷۱)

و مثل [دعوت‌کننده] کافران چون مثل کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی [مبهم چیزی] نمی‌شنود بانگ می‌زند [آری] کنند لالند کورند [و] در نمی‌یابند (۱۷۱)

(۵/مائده/ ۱۰۴)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا

و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [ش] بیایید می‌گویید آنچه پدران خود را بر

يَهْتَدُونَ (۱۰۴) آن یافته‌ایم ما را بس است آیا هر چند
 پدران‌شان چیزی نمی‌دانسته و هدایت
 نیافته بودند (۱۰۴)

(۲) قول عقلانی : (قبول یک اراده در جهان) :

(۲۶ و ۲۷ زخرف)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ
 مِّمَّا تَعْبُدُونَ (۲۶) و چون ابراهیم به [نا]پدری خود و
 قومش گفت من واقعا از آنچه می‌پرستید
 بیزارم (۲۶)
 إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ (۲۷) مگر [از] آن کس که مرا پدید آورد و
 البته او مرا راهنمایی خواهد کرد (۲۷)

{كُلَّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ}

اولین دستور خدا به پیامبر قرائت بود ، قرائت مثل بعثت باید نگاه و تحلیل انسان
 را به قوی موحدانه تبدیل می کند : تزکیه یعنی تبدیل قول از نفسانی به موحدانه

آیات ۶۵ تا ۷۶ سوره مبارکه طه

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ [ساحران] گفتند ای موسی یا تو می‌افکنی

أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى (٦٥)

یا [ما] نخستین کس باشیم که می اندازیم

(٦٥)

قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ
إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهُمْ أَنَّهَا تَسْعَى (٦٦)

گفت [نه] بلکه شما بیندازید پس ناگهان
ریسمانها و چوبدستی‌هایشان بر اثر
سحرشان در خیال او [چنین] می‌نمود که
آنها به شتاب می‌خزند (٦٦)

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى (٦٧)

و موسی در خود بیمی احساس کرد (٦٧)

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى (٦٨)

گفتیم مترس که تو خود برتری (٦٨)

وَأَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا
صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ
اتَى (٦٩)

و آنچه در دست راست داری بینداز تا هر
چه را ساخته‌اند ببلعد در حقیقت آنچه
سرهم‌بندی کرده‌اند افسون افسونگر است
و افسونگر هر جا برود رستگار نمی
شود (٦٩)

فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ
وَمُوسَى (٧٠)

پس ساحران به سجده در افتادند گفتند به
پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم
(٧٠)

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ

[فرعون] گفت آیا پیش از آنکه به شما

الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا قُطْعَنَ أَيْدِيكُمْ

اجازه دهم به او ایمان آوردید قطعا او

وَأَرْجُلُكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا أَصْلَبُكُمْ فِي جُدُوعِ

بزرگ شماست که به شما سحر آموخته

النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ أَنَّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى (٧١)

است پس بی‌شک دستهای شما و پاهایتان

را یکی از راست و یکی از چپ قطع
می‌کنم و شما را بر تنه‌های درخت‌خرما
به دار می‌آویزم تا خوب بدانید عذاب کدام
يك از ما سخت‌تر و پایدارتر است (۷۱)
گفتند ما هرگز تو را بر معجزاتی که به
سوی ما آمده و [بر] آن کس که ما را پدید
آورده است ترجیح نخواهیم داد پس هر
حکمی می‌خواهی بکن که تنها در این
زندگی دنیا است که [تو] حکم می‌رانی
(۷۲)

ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا
گناهان ما و آن سحری که ما را بدان
واداشتی بر ما ببخشاید و خدا بهتر و
پایدارتر است (۷۳)
در حقیقت هر که به نزد پروردگارش
گنهکار رود جهنم برای اوست در آن نه
می‌میرد و نه زندگی می‌یابد (۷۴)
و هر که مؤمن به نزد او رود در حالی
که کارهای شایسته انجام داده باشد برای
آنان درجات والا خواهد بود (۷۵)

قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ
وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا
تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۷۲)

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيُغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا
عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ (۷۳)

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا
يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ (۷۴)

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ
لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ (۷۵)

جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى (٧٦)
 بهشتهای عدن که از زیر [درختان] آن
 جویبارها روان است جاودانه در آن
 میمانند و این است پاداش کسی که به
 پاکی گراید (٧٦)

قول موحدانه عامل رستگاری است

قولو ال اله الا الله تفلحوا

یعنی عاقلانه بفهم و باور کن و مومنانه قائل باش و اعلان کن

اللهم عجل لوليک الفرج